



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۲۴

رفعت حسینی

خواننده بهار سعید باد هواست!!!! هر سخن جایی و هر نکته «مقامی» دارد

در جایی در اینترنت مقاله بی دیدم از یک بی فرهنگ معتاد واژه های زبان فارسی و خراسان با این عنوان:
زبان نران خراسان: فارسی
در فرصتی در باره آن، اگر میلی بود، خواهم نگاشت.

آزادی بیان و دیموکراسی بدین معنی نیست که {هرکس و ناکس} هر چه دلش خواست بگوید و یا بنویسد.
سلام دادن شیوه و آدابی دارد
غذا خوردن روش و آدابی دارد
سخن زدن و نوشتن شیوه ها و آدابی دارند.
اگر سخنوران نامور (کلانکارها) در شعر پارسی
خرافات

در مدح ستمگر و بیداد وزن ستیزانه
شعر های نجس و منحوس جنایی بر جوامع خود پاشیده اند، حق مدنی نداشتند. جنایتکاران ادبیات فارسی اند.
و اگر امروز شاعر پارسی:

یک. در ستایش حزب خلق می نگارد

دو. و اگر در روزگار کنونی، شاعری فیلم های پورنوگرافیک را شکم سیر کرایه گرفته و دیده باشد یا در بخش سکس
در اینترنت نگریسته باشد این در شمار آزادی های فردی اوست.

مگر این شاعر (حق) ندارد شعری برای معاشقه خود با زنی بنگارد و در آن از روش سینه مالی، و... (شرح کشف) دهد و سپس *** بر کاغذ را بخورد من بدهد.

و شاعری زن حق مدنی (آزادی بیان) که از چندک کندن **** معشوق اش سخن بزند و داستان الف لیلی خود را
[بی چادری و روی لچ] نعره زند.

در پایین چند شعر «لچکانه» و نامدنی «میرمن» // // // // بهار سعید را بخوانید.

این میرمن در مدح لسان فارسی و در اوصاف شهنشاه خراسان استاد سخن!! و اصف باختری ((غلط)) های
بسیاری کرده است.

اگر میل تباه کردن وقت تان را داشته باشید، برگه فیسبوک میرمن بهار سعید را پیدا کنید و (بیاموزید!!)
و نبشتن واژه میرمن که پشتو هست، از سوی من قصدی است.

از دریچه من نگارنده: ایرانی سازی پرقو به پرغویلی ناموجه است.

پرغو

امشب بروم روی ترا پنجه کشم

تا سینه و بازوی ترا پنجه کشم

در بستر آغوش تو تا خواب روم

موهای پرغوی ترا پنجه کشم

چکامه سار

یک کاژه ی تشنه در برم می لغزی

یک کاژه به لبهای ترم می لغزی

ایا که اگر چکامه سارت سازم

هر واژه بروی پیکرم می لغزی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

ای چامه بیا برهنه پردازى کن
با نازکى پیرهنم بازى کن
پیچ و خم پیکر مرا بیرون زن
سنگى، دهن شریعت تازى کن
بهار سعید
واژه ی تازى «شریعت» درینجا کاربرد نام ویژه(اسم خاص) دارد

//
در مستى و سستى که بستر کردم
تن را که در آغوش تو باور کردم
هر غنچه برهنگی که در من بشکفت
خود را به سر و روی تو پرپر کردم
بهار سعید

گرگ گرسنه ی بغل داغ توستم
آهوى تشنه ی گذر راغ توستم
یا راستش اگر که شیبى سبز من شوى
گلچین شاخه های تن باغ توستم
//

بساوش
دیربست شور تو سر و رویم نمى وزد
وختش تو بر بساوش مویم نمى وزد
دیربست اثر آمدن پنجه های تو
از چاک پیرهن به گلویم، نمى وزد
اثر

/’eter/

معنى

مایعى فرّار، بی‌رنگ، و شدیداً قابل اشتعال که از ترکیب اسید با الکل حاصل می‌شود و به عنوان داروى بی‌هوشى به کار می‌رود.

//
زندگی بی بغلت، یک بغل تنهایی
پای بیرون شدنم سست و شل تنهایی